

## 1. Anerkannte und nichtanerkannte Religionen in Iran

Im Mittelpunkt dieses Kapitels stehen die verschiedenen, noch heute in Iran existierenden und praktizierten Religionen, deren Propheten sowie deren Anhänger. Diese Thematik wird in dem Kapitel über religiöse Minderheiten (s. Kapitel 17) auf einem höheren Sprachniveau (B2/C1) ausführlicher behandelt.

**Niveau:** A2

**Wortfelder:** Religion, Politik

**Formen und Strukturen:** Adjektive, Aussagesätze, Genitivverbindungen, prägnante Prädikative

↗ EBRAHĪMĪ 1376/1997; ARIAN 1389/2010; ĀSTĪANĪ 1375/1996; ANTERMAN 1385/2006.

### آدیان رسمی و غیر رسمی در ایران

در ایران، دین‌های گوناگونی وجود دارد، اما دین رسمی کشور ایران، اسلام است. بنابراین بیشتر ایرانیان مسلمان هستند. نام کتاب دینی مسلمانان «قرآن» است و نام پرستشگاه آنان «مسجد» است. دین اسلام، خودش دو شاخه دارد: شاخه سنی و شاخه شیعی. بیش از نود درصد مردم ایران مسلمان «شیعه اثنی عشری» یا دوازده امامی هستند. یعنی آنها پس از محمد به «دوازده امام» از فرزندان علی اعتقاد دارند. علی اولین امام شیعیان و مهدی آخرین امام شیعیان است. آنها معتقد هستند که مهدی در آخر زمان، یعنی در پایان جهان ظهور می‌کند و همه مسلمانان را نجات می‌دهد. شیعیان ایران مذهب خود را «اسلام ناب محمدی» می‌نامند.

پیش از ورود اسلام به ایران، در این سرزمین دین‌های گوناگونی وجود داشتند، اما با حمله اعراب به ایران در قرن هفتم میلادی، بیشتر مردم ایران، کم‌کم مسلمان شدند. از قرن شانزدهم میلادی مذهب شیعه، دین رسمی مردم ایران شده است. غیر از مذهب شیعه، مذهب سنی هم در ایران وجود دارد اما سنیان تنها درصد کمی از مسلمانان ایران را تشکیل می‌دهند. با این همه، تعداد سنیان ایران از تعداد همه اقلیت‌های غیر مسلمان در ایران بیش‌تر است. سنیان ایران بیشتر در جنوب و غرب ایران زندگی می‌کنند. سنی‌ها بر خلاف شیعه‌ها به امامان اعتقاد ندارند.

آن‌ها پس از مُحَمَّد، به جانشینان او یعنی ابوبکر، عُمَر و عُثْمَان مُعْتَقِد هستند که آن‌ها را «خُلَفای راشدین» یعنی «جانشینان بزرگ» می‌نامند. بنابراین برای سنی‌ها علی یک «امام» نیست، بلکه یکی از خلیفه‌های مسلمانان در آغاز اسلام است.

در ایران اقلیت‌های مذهبی متفاوتی زندگی می‌کنند. پیش از آمدن اسلام به ایران، بیشتر ایرانیان زرتشتی بوده‌اند. دین زرتشتی (یا زردشتی)، یک دین باستانی ایرانی است. نام پیامبر زرتشتیان، زرتشت است و نام کتاب مقدس زرتشتیان «اوستا» می‌باشد. برای زرتشتیان، «آتش» یک پدیده مقدس و آسمانی است. نام مکان مقدس یا پرستشگاه زرتشتیان «آتشکده» است. آتشکده یعنی «جایگاه آتش». اکنون زرتشتیان بیش‌تر در شهرهای یزد و کرمان زندگی می‌کنند.

در کنار زرتشتیان، یهودیان دومین اقلیت دینی در ایران هستند که نزدیک به دو هزار و هفتصد سال است در ایران زندگی می‌کنند. نام پیامبر یهودیان موسا است. در زبان فارسی به یهودیان، «کلیمی» هم می‌گویند. اسم کتاب مذهبی کلیمی‌ها «تورات» است. نام پرستشگاه کلیمیان به فارسی «کنیسا» است. یهودیان ایران همه از ریشه «سفرادی» و «میزراحی» هستند که به آن‌ها «یهودیان شرقی» یا «یهودیان جهان اسلام» هم می‌گویند.

سومین مذهب شناخته شده در ایران، مذهب مسیحیت است. مسیحی‌های ایرانی از ریشه آشوری، کلدانی و ارمنی و بیشتر آن‌ها ارتدوکس هستند. البته در میان مسیحیان ایران کاتولیک و پروتستان هم وجود دارد. مسیحیان ایران از آغاز ظهور مسیحیت در ایران حضور داشته‌اند. نام پیامبر مسیحیان عیسا یا مسیح است. نام کتاب مقدس مسیحیان «انجیل» است و نام پرستشگاه مسیحیان به فارسی «کلیسا» است.

در ایران، یک دین دیگر هم هست که رسمی نیست و آن مذهب بهایی است. نام پیامبر بهاییان، بهاءالله (بهاء‌الله) است. این مذهب چهارم، یک دین نو است که تقریباً صد و هشتاد سال پیش در ایران به وجود آمد. کتاب مقدس بهایی‌ها، کتاب «اقدس» است. بهاییان پرستشگاه ویژه‌ای ندارند اما همه گروه‌های بهایی در ایران دارای «محفل» هستند که در آن‌جا جمع می‌شوند. آنان هم‌چنین دارای چند معبد بزرگ و معروف در هند، آلمان، اسرائیل و کشورهای دیگر جهان هستند. دولت ایران مذهب بهایی را به رسمیت نمی‌شناسد.

در میان ایرانیان مذهب‌های بودایی و فرقه‌های تصوف هم وجود دارد اما آنها هم در اقلیت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران این دین‌ها را مذاهب رسمی نمی‌شناسد و بنابراین آنها اجازه ندارند، مراسم مذهبی و جشن‌های دینی خود را به شکل رسمی و قانونی برگزار کنند.

### Aufgabe:

Beantworten Sie die folgenden Fragen zum Inhalt in vollständigen Sätzen.

۱. مذهب رسمی در ایران چه مذهبی است؟ این مذهب از کی در ایران رسمی شده است؟
۲. غیر از اسلام چه دین‌های دیگری در ایران وجود دارد؟
۳. پیش از آمدن اسلام به ایران، مردم این کشور چه دینی داشته‌اند؟
۴. یهودیان ایران از کی در این کشور زندگی می‌کنند؟
۵. مسیحیان ایران از چه ریشه‌ای هستند؟
۶. چه مذهبی (یا مذهب‌هایی) در ایران، ادیان رسمی را تشکیل نمی‌دهند؟
۷. نام کتاب‌های دینی مسلمانان، زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان و بهاییان به زبان فارسی چیست؟
۸. نام پرستشگاه‌های اقلیت‌های مذهبی ایران به فارسی چیست؟
۹. زرتشتیان و سنی‌های ایران بیشتر در کجای این کشور زندگی می‌کنند؟
۱۰. کدام دین ایرانی دارای پرستشگاه نیست؟ پیروان این مذهب کجا جمع می‌شوند؟

## 2. Reisefieber im Sommer

Eine junge Familie unterhält sich über das Reisen und Reiseziele inner- und außerhalb Irans. Dabei soll neben der Vermittlung von Ortsnamen und geografischem Wissen ein Einblick in die lebendige Kommunikationssprache gegeben werden. Typische Ausdrucksformen zur Formulierung von Pro- und Contra-Argumenten und zum Annehmen respektive Ablehnen von Vorschlägen werden präsentiert.

**Niveau:** A2

**Wortfelder:** Reisen und Transportmittel

**Formen und Strukturen:** Appositionen, Konjunktive, zusammengesetzte Verben, Instrumentalformen (mit, von, bei, mit), Formulieren von Fragen und Antworten

↗ ĞĀWDĀNĪ 1390/2011; BAḤTYĀRĪ 1379/2000; RAḤŠĀNĪ 1349/1971.

### سَفَرِ تابستانی

مَنْ پروانه هستم و در سالِ چهارمِ دبیرستان درس می‌خوانم. مَنْ با پدر و مادرم در شهرِ اصفهان زندگی می‌کنم. خانواده‌ی ما می‌خواهد در تابستان سال آینده به یک سفرِ چند روزه به شهرهای ایران برود. من خودم دلم می‌خواهد به اروپا سفر کنم. شما در پایین، گفتگوی خانواده‌ی مَنْ را درباره‌ی سفرِ تابستانی می‌خوانید:

پدر: پروانه! بگو ببینم درس‌های تو کی تمام می‌شود؟

پروانه: مَنْ تا پایانِ ماهِ ژولای (ژوئیه) درس دارم و بعد از آن تعطیلاتِ مدرسه آغاز می‌شود و من آزادم.

مادر: صبر کن حساب کنم، پایانِ ژوئیه می‌شود نُهم یا دهمِ مردادماه! خوب، پس ما می‌توانیم برای آغازِ ماهِ اوت یعنی هفته‌ی دومِ مردادِ بلیتِ هواپیما رزرو کنیم.

پدر: چرا بلیتِ هواپیما؟ مَنْ موافقِ نیستم، بلیتِ هواپیما گران است و گذشته از آن، مَنْ از پرواز با هواپیما می‌ترسم. جدای از آن خیلی از شهرهای ایران همان‌طور که می‌دانید خطِ هوایی ندارند.

پروانه: باشد، چطور است با قطار سفر کنیم؟ قطار هم ارزان‌تر است و هم مطمئن‌تر!

مادر: اول باید ببینیم، ما به کدام شهرها مسافرت خواهیم کرد؛ به جنوب، شمال، شرق یا به غرب کشور، بعد می‌توانیم تصمیم بگیریم که آیا بهتر است با اتوبوس سفر کنیم یا با قطار.

پروانه: من دوست دارم به اروپا سفر کنم. من شنیده‌ام که یونان خیلی زیبا است.

مادر: سفر به خارج از کشور گران است و جدای از آن، ما برای سفر به اروپا به ویزا (روادید) نیاز داریم.

پدر: من پیشنهاد می‌کنم که به شمال سفر کنیم، چون در تابستان جنوب ایران و به ویژه «خلیج فارس» بسیار گرم است و من چندان از هوای گرم خوشم نمی‌آید.

پروانه: چه خوب! من موافقم. پس ما می‌توانیم روی «دریای خزر» در شمال با کشتی سفر کنیم.

مادر: بلکه درست است، ما می‌توانیم تا «مازندران» با قطار سفر کنیم و از آنجا سوار کشتی یا قایق شویم.

پدر: من فکر می‌کنم می‌شود در شمال، مثلاً در «ساری» اتومبیل (ماشین / خودرو) کرایه کرد (بکنیم).

پروانه: بابا نظر تو چیست؟ اجازه دارم دوچرخه‌ام را هم همراه بیاورم؟ این طوری می‌توانم در شمال کشور کمی دوچرخه‌سواری کنم.

پدر: به نظر من فکر خوبی است، من هم قصد دارم موتورسیکلتم را بفروشم و به جای آن یک دوچرخه کوهستانی سبک بخرم. دوچرخه هم کم‌خطرتر است و هم ارزان‌تر.

مادر: لطفاً شما زودتر تصمیم بگیرید، چون من باید پیش رئیس بروم و از او تقاضای مرخصی بکنم.

پدر: خدا را شکر من نیازی به تقاضای مرخصی ندارم چون من رئیس خودم هستم.

پروانه: خوب پس همه چیز روبراه است؛ مامان که مرخصی می‌گیرد و تو هم که رئیس خودت هستی! پس من می‌روم وسایل سفرم را در چمدان بگذارم و لباس‌هایم را از زیرزمین بیاورم.

مادر: صَبْرٌ كُنْ جَانِّم، چِرَا عَجَلَه مِي كَنِي، تُو كِه مِي دَانِي عَجَلَه كَارِ كِيست.

پروانه: آره مامان، مِي دانم؛ مِي گویند: «عَجَلَه كَارِ شَيْطَانِ است»، اَمَّا از قَدِيمِ گُفْتِه اند: «كار از مُحْكَمِ كَارِي عَيْبِ نَمِي كُنْد». من هرچه تُندتر كارهايم را بَكُنم، ما زودتر مِي توانيم آماده سفر شويم.

### Aufgaben:

1. Konnten Sie dem Inhalt der Konversation folgen und die Sätze übersetzen? Versuchen Sie nun, die Sprichwörter und Redewendungen des Textes ausfindig zu machen.
2. Unterstreichen Sie die Verbformen, definieren Sie und konjugieren Sie diese in den Ihnen bekannten Zeitformen.
3. Beantworten Sie die folgenden Fragen. Achten Sie bitte darauf, dass sich die gestellten Fragen nicht direkt auf die obenstehende Lektüre beziehen.

۱. شما دوست دارید به کجا سفر کنید؟ اگر قرار باشد سفر کنید، دوست دارید با چه کسی

به مسافرت بروید؟

۲. در چه فصل از سال دوست دارید سفر کنید و چرا؟

۳. شما با چه وسیله ای می خواهید سفر کنید و چرا؟

۴. شما تا حالا به چه کشورهایی سفر کرده اید؟ نخستین سفر شما به خارج از کشورتان به کجا بود؟

۵. زیباترین و بهترین سفری که تا به حال کرده اید کدام سفر و به کجا بوده است؟

۶. آیا شما تا به حال به ایران رفته اید؟ شما از کجای ایران بیشتر خوشتان آمده است؟